گزارش یک

مهسا گربندی

گزارش «جوان» از گلایه معلمان غیردولتی درباره اجرای بیمه ۳۰ روزه و دیگر مشکلاتشان

سود بیمه معلمان در جیب مؤسسات آموزشی

بیمه کامل (۳۰ روزه) معلمان مدارس غیردولتی، در نگاه اول اتفاقی خوشحال‌کننده بود؛ هم برای جامعه‌ای که سال‌هاست در انتظار عدالت آموزشی است و هم برای معلمانی که برای رسیدن به ابتدایی‌ترین حقوق خود، فریاد زده و پاسخی نگرفته‌اند. اما این خوشحالی، چندان دوام نیاورد، چراکه خیلی زود مشخص شد برخی مؤسسات آموزشی (شاید نه همه)، هزینه این بیمه را از جیب دیگران تأمین می‌کنند؛ بخشی را از خانواده‌ها، با افزایش شهریه و بخشی را از خود معلمان، با کسر از حقوقشان.

رئیس سازمان مدارس غیردولتی چندی پیش در گفت‌وگو با «جوان»، درباره هزینه اجرای مصوبه «۳۰ ساعته‌شدن ساعت تدریس معلمان» صراحتاً گفت: «مدارس غیردولتی مشارکتی هستند؛ یعنی خانواده‌ها در تأمین هزینه‌ها نقش دارند.» همین مفهوم «مشارکتی» حالا به دستاویزی برای انتقال بار مالی به خانواده‌ها تبدیل شده‌است! اما این تمام ماجرا نیست. برخی مدارس حتی پا را فراتر گذاشته‌اند و به معلمان اعلام کرده‌اند که سهم بیمه از حقوق خود آنها کسر خواهد شد؛ یعنی همان هزینه‌ای که قانوناً باید برعهده کارفرما باشد، حالا به دوش معلمی افتاده که پیش از این نیز از حقوق مکفی، بی‌بهره بوده‌است.

سوءاستفاده با حقوق ناچیز

عمده معلمان مدارس غیردولتی، سال‌هاست با ناامیدی، پای تخته ایستاده و درس داده‌اند. آنها که دستمزدشان بسیار کم است باید با همین رقم دریافتی از عهده اجاره‌خانه و دیگر هزینه‌های زندگی برآیند و با بی‌ثباتی شغلی و بی‌عدالتی هم دست و پنجه نرم کنند. تعدادی از آنها، با وجود سابقه بالا، همچنان در گیر ابتدایی‌ترین حقوق صنفی‌شان هستند. خانم محمدی با سابقه بیش از ۱۰ سال تدریس در گفت‌وگو با «جوان»، روایت تلخی را بیان می‌کند: «متأسفانه به دلیل نبود شغل مناسب، از ما سوءاستفاده می‌شود. مجبوریم با حقوقی بین ۵ تا ۷ میلیون تومان تدریس کنیم، آن هم بدون هیچ حقوقی در ایام تعطیل. این در حالی است که اجاره خانه و هزینه‌های زندگی کمرمان را شکسته‌است. ما هر سال با این امید ادامه می‌دهیم که شاید آموزش‌وپرورش یا سازمان مدارس غیردولتی وجدانش به درد بیاید و وضعیت‌مان را سامان دهد، اما انگار نه گوش شنوایی هست، نه اراده‌ای برای اصلاح.»

او ادامه می‌دهد: «بسیاری از همکارانم با سابقه کاری بیش از ۱۰ سال، هنوز با همین حقوق ناچیز کار می‌کنند، در حالی که انگیزه‌ای برای ادامه ندارند. کاش مسئولان فقط یک‌بار با خودشان فکر کنند که چطور می‌شود با ۵ یا ۶ میلیون تومان زندگی کرد؟»

این معلم با گلایه از سیاست‌های جذب نیرو در آموزش‌وپرورش می‌گوید: «در حالی که گفته می‌شود مدارس دولتی با کمبود معلم مواجهند، مسئولان حاضرند از معلمان بازنشسته استفاده کنند، اما نیروی جوان و فعال مدارس غیردولتی را نمی‌بینند. ما نه دیده می‌شویم، نه شنیده. فقط باید بدون هیچ اعتراضی تدریس کنیم و با حقوق ناچیزی که به ما می‌دهند، دست و پنجه نرم کنیم.»

امید به شرایط بهتر

در مدارس غیردولتی، معلم بودن گاهی به معنای تحمل بی‌عدالتی‌هایی است که حتی در قوانین کار هم جایی ندارند. برخی معلمان می‌گویند قراردادهای یک‌ساله‌ای با آنها نوشته می‌شود که هیچ اعتباری ندارد، چراکه سه ماه در سال را باید بدون حقوق و بیمه بگذرانند.

خانم ترابی، گلایه‌اش را اینطور مطرح می‌کند: «قرارداد یک‌ساله امضا می‌کنیم، اما سه ماه از سال، هیچ حقوقی نداریم. بیمه هم در کار نیست. انگار فقط باید کار کنیم و دم نزنیم، چراکه هیچ‌کس مسئولیت این بی‌قانونی را نمی‌پذیرد. نه عیدی داریم، نه مزایا، نه حتی حق استفاده از امکاناتی که برای معلمان در نظر گرفته شده است.»

او به فشارهای روانی و برخوردهای ناعادلانه والدین نیز اشاره می‌کند: «والدینی که شهریه داده‌اند، فکر می‌کنند حق دارند هر طور دلشان خواست با ما رفتار کنند. ما باید همیشه مؤدب و ساکت باشیم، حتی اگر حق با ما باشد. متأسفانه این فشارها گاهی به قدری زیاد می‌شود که دیگر حتی نمی‌توانیم نظر بدهیم یا تصمیم بگیریم. فقط باید اطاعت کنیم!»

این معلم با اشاره به تأثیرات جسمی و روانی این شرایط ادامه می‌دهد: «به خاطر فشار مالی و استرس، دچار دیسک گردن و کمر شدم. حتی علائم آلزایمر دارم. امسال هم مانند سال‌های دیگر، منتظرم مهرماه برسد، شاید اوضاع بهتر شود.»

۱۰ سال تدریس، بدون امنیت شغلی

در نظام آموزشی‌ای که باید ستون‌های توسعه و عدالت را بنا کند، معلمانی هستند که با چندین سال سابقه تدریس هنوز نمی‌دانند چه جایگاهی در نظام آموزش و پرورش کشور دارند؛ بی‌حقوق کافی و بدون آینده‌ای شغلی مطمئن. البته هر ساله وعده‌هایی برای بهبود شرایط به آنها داده می‌شود؛ وعده‌هایی که عمدتاً محقق نشده‌است. خانم سربندی یکی از معلمان با سابقه در مدارس غیردولتی است و در این رابطه می‌گوید: «هر تابستان به ما وعده می‌دهند که امسال وضعیت بیمه و حقوق بهتر می‌شود، اما این وعده‌ها به واقعیت تبدیل نمی‌شود.»

او با اشاره به تأثیرات این وضعیت بر زندگی شخصی‌اش بیان می‌کند: «۳۸ سال دارم، اما هنوز نتوانسته‌ام ازدواج کنم، چراکه با این حقوق نمی‌توانم از عهده زندگی خودم بربیایم چه برسد هزینه‌های یک نفر دیگر! گاهی احساس می‌کنم من نیرویی هستم برای درآمدزایی برخی مؤسسان و مدیران مدارس غیردولتی.»

این معلم از شکاف عمیق میان شهریه‌های نجومی و حقوق ناچیز معلمان پرده برمی‌دارد: «مدارس شهریه‌های چند ده میلیون تومانی، گاهی بیش از ۱۰۰ میلیون تومان از خانواده‌ها می‌گیرند، اما کمترین سهم را به معلمان می‌دهند. سال گذشته، با ۱۵ روز بیمه، فقط ۵ میلیون حقوق گرفتم. حالا با ۱۰ سال تجربه، نه می‌توانم در این حرفه بمانم، نه شغل دیگری پیدا کنم. سنم بالا رفته و فرصت‌ها محدود شده‌اند.»

او با لحنی پر از درد و پرسش می‌گوید: «کدام کشور به معلمی که ۱۰ سال تدریس کرده، می‌گوید نیروی آزاد؟ این ناعدالتی‌ها باید دیده شود. امیدوارم صدای ما به گوش مسئولان برسد و برای بهبود وضعیت معیشتی و شغلی معلمان غیردولتی، اقدامی جدی صورت گیرد.»

قانونی که تنها روی کاغذ است

در نظامی که باید علم و تخصص را ارج بنهد، معلمانی هستند که با مدرک دکتری، از حقوق کافی محروم هستند. یکی از این معلمان از ارومیه که نمی‌خواهد اسم او و مدرسه‌ای که در آن کار می‌کند، عنوان شود، می‌گوید: «مدرکم دکتری است و هر سال حقوق کم به حسابم واریز می‌شود. امسال گفته شده که بیمه‌مان ۳۰ روزه می‌شود، بیمه‌ای که مدیر مدرسه صراحتاً اعلام کرده از حقوقم ۴ میلیون تومان کم می‌کند! یعنی از ۸ میلیون حقوق، من فقط نصف آن را خواهم گرفت! البته بر سر من منت هم گذاشته‌اند که چون عملکردم خوب بوده‌است این رقم برایم پرداخت می‌شود، وگرنه ممکن بود رقم کمتری برایم درنظر بگیرند!»

او به بخشنامه‌ی جدید اشاره می‌کند که در آن حقوق معلمان متأهل برای ۳۰ ساعت کار در هفته، باید نزدیک به ۱۴ میلیون تومان باشد: «بخشنامه آمده که باید ۱۳ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان بدهند، اما مؤسس‌ها ۸ میلیون تومان درنظر می‌گیرند که از آن هم نصفش را برای بیمه برمی‌دارند. این یعنی قانون فقط روی کاغذ است.»

این معلم از فشارهای روانی و کاری مدارس غیردولتی نیز گلایه دارد: «از صبح تا ظهر باید به مؤسس، مدیر، معاون، والدین و دانش‌آموزان جواب پس بدهیم. معلم‌های بازنشسته آموزش‌وپرورش که تازه وارد مدارس غیردولتی می‌شوند، همان ماه اول می‌گویند نمی‌توانند ادامه دهند. فشار کاری، استرس، اعصاب‌خردی، بکن‌نکن‌های بی‌پایان، بخشی از کارمان است. در این شغلی که قسمت من شده، فقط و فقط باید همه چیز را تحمل کرد.»

او از تخلفات رایج در قراردادها نیز پرده برمی‌دارد: «قرارداد صوری می‌نویسند، حقوق را ۱۰ میلیون درج می‌کنند، ۶ میلیون واریز می‌کنند و از معلم می‌خواهند ۲ میلیون را پس بدهد. این تخلف آشکار است، اما هیچ‌کس رسیدگی نمی‌کند.»

این معلم درباره مشکلات پرداخت نشدن به موقع حقوق‌ها نیز می‌گوید: «حقوق‌ها با تأخیر، هر چهار ماه یک‌بار پرداخت می‌شود. اگر هم شکایت کنیم به راحتی آب خوردن، قطع همکاری می‌کنند. این یعنی ما، نه فقط بی‌حقوقیم، بلکه بی‌پناه هم هستیم.»

از عشق به آموزش تا تحقیر حرفه‌ای

در شهرستان تنکابن نیز، معلمی با پنج سال سابقه تدریس از روزهایی می‌گوید که عشق به آموزش، او را در سخت‌ترین شرایط نگه داشت، اما حالا، با زخم‌هایی بر روح و جسم، از مدرسه‌ای به مدرسه دیگر رانده می‌شود، بی‌آنکه کسی زحماتش را به رسمیت بشناسد. او روایتش را اینگونه آغاز می‌کند: «اگر واقعاً مصاحبه با شما باعث دردسر نمی‌شود، می‌توانم جواب بدهم. از سال ۱۳۹۹ در دوران کرونا، با حقوق ۸۰۰ هزار تومان تدریس می‌کردم. هزینه رفت‌وآمدم از روستا تا مدرسه ۴۰۰ هزار تومان بود. یعنی نیمی از حقوقم فقط صرف رسیدن به محل کار می‌شد.»

این معلم از شرایط سخت تدریس آنلاین در سال‌های کرونا می‌گوید: «کلاس‌ها آنلاین بود، اما ما مجبور بودیم در فضای سرد مدرسه، بدون هیچ وسیله گرمایشی، با لپ‌تاپ شخصی تدریس کنیم. همان روزها بود که لپ‌تاپم توسط یکی از دانش‌آموزان آسیب دید، اما نه مدیر مدرسه مسئولیتش را قبول کرد، نه اولیای آن دانش‌آموز! تصور کنید قیمت لپ‌تاپ نو آن زمان ۱۰ میلیون بود و کل حقوق سالانه‌ام فقط ۸ میلیون تومان، با این اوصاف متوجه خسارتی که به من وارد شد، می‌شوید.»

به گفته او، وضعیت قراردادها نیز چیزی جز وعده‌های توخالی نبود: «طبق قرارداد، باید عیدی دو برابر حقوق می‌گرفتیم، اما هر سال با بهانه‌های مختلف حذفش می‌کردند. اوایل بیمه نداشتیم، بعد که مجبور شدند بیمه بدهند، حق بیمه را از حقوق خودمان کم کردند. حتی اجازه گرفتن شاگرد خصوصی هم نداشتیم؛ می‌گفتند باید در مدرسه برگزار شود و سهم آموزشگاه را بدهیم.»

او از رفتارهای تحقیرآمیز مدرسه نیز گلایه می‌کند: «صبحانه را قطع کردند و گفتند خودتان پول بگذارید و بیاورید. با تمام این سختی‌ها ادامه دادم، تا اینکه سال گذشته باردار شدم. وقتی مرخصی خواستم، معاون مدرسه گفت باید قبل از اقدام به بارداری با مدرسه هماهنگ می‌کردم! آخر این هم شد حرف؟! بعد از زایمان هم گفتند که دیگر من را نمی‌خواهند!»

اما این پایان ماجرا نبود. مدرسه جدیدی که او را پذیرفت، سابقه‌اش را نادیده گرفت: «مدرسه جدید گفت سابقه‌ام را قبول ندارد و من نیروی صفر کیلومتر محسوب می‌شوم. حقوقم برای سال جدید ۶ میلیون تعیین شد. تازه این مدرسه هم فقط هشت ماه در سال بیمه می‌دهد و اردیبهشت باید ترک کار بزنیم.»

و حالا، با فشارهای جدید مواجه است: «مدرسه گفته باید کتابچه آموزشی تألیف کنم تا با نام خودشان چاپ شود. می‌گویند مدرسه غیرانتفاعی باید چیزی بیشتر از دولتی‌ها داشته باشد. عیدی در کار نیست و اگر لازم باشد، پنج‌شنبه‌ها هم باید کلاس جبرانی برگزار کنیم.»

مرهمی که زخم تازه شد

در میان روایت‌های تلخ معلمان، اظهارات رسمی مسئولان نیز جای تأمل دارد. چندی پیش احمد محمودزاده، رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش و پرورش، در گفت‌وگویی با رسانه‌ها اعلام کرد: «تصمیم گرفتیم که بیمه معلمان مدارس غیردولتی به‌صورت کامل و ۳۰ روزه محاسبه شود. بر این اساس، اگر معلمی کمتر از ۳۰ ساعت در هفته در مدرسه حضور داشته باشد، بیمه‌اش به همان میزان محاسبه خواهد شد. برای تأمین منابع مالی این طرح، بخشی از هزینه‌ها در شهریه دانش‌آموزان دیده شده‌است. اصلاً یکی از دلایل افزایش کف شهریه برای مدارس فعال در شهرستان‌ها و مناطق حاشیه شهرهای بزرگ، همین بود که بتوانند معلمان خود را ۳۰ ساعت به کار بگیرند و بیمه ۳۰ روزه برایشان محاسبه کنند.»

در واقع، این مقام مسئول افزایش شهریه مدارس غیردولتی را با توجیه اجرای بیمه کامل معلمان توضیح داده و به نوعی، راهی برای گریز قانونی آن دسته از مدارسی باز کرده که هزینه‌ها را یک‌باره بالا برده‌اند، اما سوی دیگر ماجرا، همان‌طور که معلمان می‌گویند، نگران‌کننده‌تر است؛ اینکه هزینه بیمه نه‌تنها از جیب خانواده‌ها، بلکه از حقوق خود معلمان نیز برداشته می‌شود.

بی‌تردید، آنچه امروز در این مدارس می‌گذرد، نوعی حق‌خوری رسمی است؛ با توجیه‌هایی که نه خانواده‌ها را قانع می‌کند و نه معلمان را آرام و این دلخوری‌ها، هرقدر هم عمیق و گسترده، تاکنون هیچ نتیجه‌ای نداشته است. اگر داشت، بیمه معلمانی که آینده‌ساز این سرزمین‌اند، سال‌ها معلق و بلاتکلیف نمی‌ماند.

حالا در شرایطی که وعده بیمه ۳۰ روزه داده می‌شود و قرار است اجرا شود، گلایه‌های معلمان نشان می‌دهد باز هم سود اصلی به جیب مؤسسان می‌رود، چراکه تعدادی از مدارس نه‌تنها سهم قانونی خود را نمی‌پردازند، بلکه دست در جیب خانواده‌ها و معلمان کرده‌اند! این یعنی جایی از کار، به وضوح می‌لنگد.

بنابراین لازم است تا نهادهای نظارتی، نه فقط سازوکار اجرای این طرح را پیگیری کنند، بلکه تضمین دهند اگر هزینه بیمه را (طبق ضوابط تعیین شده) خانواده‌ها می‌پردازند، دیگر از حقوق معلمان برداشته نشود، چراکه وقتی معلم حال خوش نداشته باشد، نمی‌تواند آینده‌ای بسازد و این، به زیان همه جامعه تمام خواهد شد.

گزارش ۲

زهرا چیذری

اختصاص ۷۰۰ میلیون دلار برای تأمین ذخایر استراتژیک دارو و تجهیزات

رئیس سازمان غذا و دارو: کمبودهای دارویی ناشی از تحریم‌هاست؛ با وجود این کمبودهای دارویی نسبت به سال گذشته ۴۰ درصد کمتر شده‌است

ذخایر دارویی و تجهیزات پزشکی یکی از استراتژیک‌ترین ذخایری است که حفظ آن اهمیتی حیاتی دارد. حالا آنطور که رئیس سازمان غذا و دارو می‌گوید این سازمان در حوزه ذخایر استراتژیک دارو و تجهیزات پزشکی حدود ۷۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه و پیشرفت دریافت کرده‌است تا بتواند ذخایر مطمئن ایجاد کند. طبق تأکید پیرصالحی این مبلغ به تنهایی کافی نیست به همین خاطر هم سازمان غذا و دارو مجبور شده از میان داروها بیش از ۵۰۰ قلم دارو و بیش از ۴۰۰ قلم تجهیزات پزشکی را انتخاب کند تا ذخیره‌سازی فقط برای داروها و تجهیزات ضروری و حیاتی انجام شود. تحویل داروها از هفته گذشته آغاز شده و برنامه‌ریزی برای ذخیره‌سازی سه ماهه داروهای حیاتی و بیش از یک ماه و نیم برای داروها و تجهیزات ضروری انجام شده‌است. وی همچنین کمبودهای دارویی را ناشی از تحریم‌ها دانست و تأکید کرد: «کمبودهای دارویی نسبت به سال گذشته ۴۰ درصد کمتر شده‌است.»

دارو و پس از آن تجهیزات پزشکی یکی از مهم‌ترین بخش‌های مرتبط با سلامت است، به گونه‌ای که خیلی وقت‌ها دارو از نان شب هم واجب‌تر است. به همین خاطر هم ذخایر استراتژیک سازمان دارو از حساس‌ترین موضوعاتی است که باید به عنوان اولویت در نظر گرفته شود.

ذخیره داروها و تجهیزات حیاتی

مهدی پیرصالحی، رئیس سازمان غذا و دارو در حاشیه در نشستی خبری با تأکید بر دریافت حدود ۷۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه و پیشرفت برای تأمین ذخایر دارویی و تجهیزات پزشکی اینگونه توضیح داد: «با توجه به اینکه بیش از ۳۱۰ قلم دارو با ۱۷ هزار آی‌آرسی و بیش از ۵هزارو ۵۰۰ تجهیزات پزشکی مصرفی وجود دارد، این مبلغ به تنهایی کافی نیست. بنابراین مجبور شدیم از میان داروها بیش از ۵۰۰ قلم دارو و بیش از ۴۰۰ قلم تجهیزات پزشکی را انتخاب کنیم تا ذخیره‌سازی فقط برای داروها و تجهیزات ضروری و حیاتی انجام شود.»

وی ادامه داد: «قراردادهای شرکت‌های دارویی عمدتاً منعقد شده و برخی داروها تحویل انبارهای داخلی یا انبارهای معرفی‌شده شده‌اند. پیشرفت خوبی در ذخیره‌سازی تجهیزات پزشکی داشته‌ایم و بخشی از خریدها از طریق هیئت امنای ارزی انجام شده‌است. تحویل داروها از هفته گذشته آغاز شده و برنامه‌ریزی برای ذخیره‌سازی سه ماهه داروهای حیاتی و بیش از یک ماه و نیم برای داروها و تجهیزات ضروری انجام شده‌است.»

کاهش ۴۰ درصدی کمبودهای دارویی

پیرصالحی درباره کمبودهای دارویی هم گفت: «کمبودهای دارویی ناشی از تحریم است و تعداد کمبودها نسبت به سال گذشته تقریباً ۴۰ درصد کمتر شده‌است. باید داروهایی که در سطح جهانی دچار کمبود هستند، کمتر تجویز شوند تا مردم سرگردان نشوند. توزیع داروها در داروخانه‌ها زمان‌بر است، اما داروها در دسترس هستند و طی چند هفته آینده به تناسب در همه داروخانه‌های توزیع‌کننده پخش خواهند شد.»

رئیس سازمان غذا و دارو با اشاره مشکلات نقدینگی گفت: «عدم پرداخت به موقع از سوی سازمان هدفمندی باعث تأخیر در دریافت مطالبات داروخانه‌ها و شرکت‌های توزیع و تولید می‌شود و این امر بر تولید و کمبودهای دارویی اثر می‌گذارد. پرداخت‌ها معمولاً انجام می‌شود، اما تأخیرها هنوز مشکل‌ساز است و برخی مطالبات هنوز مربوط به سال گذشته است. برای مثال در مورد شیر خشک تأخیر پنج ماهه در پرداخت وجود داشته‌است. حداقل در حوزه نقدینگی باید پرداخت‌ها به موقع انجام شود تا مشکلات کمتر شود.»

چشم انتظار نتیجه نهایی دستورالعمل توزیع اینترنتی

رئیس سازمان غذا و دارو در خصوص توزیع اینترنتی داروها هم اینگونه توضیح داد: «دستورالعمل توزیع اینترنتی دارو تهیه و به وزارت ارتباطات ارسال شده و جلساتی با معاونین وزیر برگزار شده‌است، اما نتیجه نهایی هنوز اعلام نشده‌است. فروش اینترنتی دارو در حال حاضر ادامه دارد و هیچ محدودیتی در دسترسی مردم ایجاد نشده‌است.»

به گفته وی سازمان غذا و دارو با توزیع اینترنتی دارو موافق است به شرط رعایت ضوابط کیفیت و سلامت تعیین‌شده توسط سازمان. پلتفرم‌ها یا اسکوهایی که دارو را توزیع می‌کنند باید قانونمند عمل کنند و فروش دارو فقط در اختیار داروخانه است. پلتفرم‌ها صرفاً می‌توانند دارو را از داروخانه تحویل بگیرند و به بیمار برسانند.

رئیس سازمان غذا و دارو در خصوص واکسن‌های موجود در سبد واکسیناسیون کشور هم گفت: «برنامه واکسیناسیون کشوری تعیین می‌کند که کدام واکسن‌ها برای کشور ضروری هستند. واکسن‌های رایگان و واکسن‌های پولی داروخانه‌ای بر اساس تصمیم کمیته کشوری واکسیناسیون تعیین می‌شوند.»

طبق توضیحات وی ذخایر استراتژیک دارو و تجهیزات پزشکی شامل حدود ۵۲۰ قلم دارو و ۴۰۰ قلم تجهیزات است و در شرایط اضطراری از چند شرکت دارویی و تجهیزات پزشکی تأمین می‌شود و در صورت نیاز از واردات نیز استفاده خواهد شد.

از نگاه پیرصالحی بزرگ‌ترین موفقیت کشور این است که عمده داروی کشور توسط شرکت‌های داخلی تولید می‌شود و اولویت فعلی تأمین بازار داخلی است، هر چند صادرات محدود باقی مانده‌است؛ داروهای جدیدی که در سال گذشته وارد بازار جهانی شده‌بودند، در داخل تولید و عرضه شده‌اند و آمار دقیق در هفته دولت اعلام خواهد شد.

مرگ سالانه ۱/۵ میلیون نفر بر اثر تحریم‌ها

پیرصالحی همچنین با تأکید بر اهمیت فعالیت رسانه‌ها در حوزه سلامت، گفت رسانه‌ها امروز تنها ابزار اطلاع‌رسانی نیستند، بلکه عامل شکل‌دهی افکار عمومی به‌شمار می‌آیند. به گفته پیرصالحی، رسانه می‌تواند مردم را در مسیر درست هدایت کرده و آگاهی‌بخشی کند و هر چه سطح سواد سلامت مردم بالاتر رود، مدیریت نظام سلامت کشور بهتر خواهد شد.

وی به تأثیر اخبار منفی اشاره کرد و گفت: «در حوزه مارکتینگ هر خبر منفی ۹ برابر بیشتر از خبر مثبت دیده می‌شود و اگر خبر منفی اساساً غلط باشد، اصلاح آن بسیار دشوار است.»

رئیس سازمان غذا و دارو به مشکلات ناشی از تحریم‌ها هم اشاره کرد و گفت: «تحریم‌ها به صورت بی‌صدا جان مردم را تهدید می‌کنند. همانطور که در یکی از معتبرترین مجلات پزشکی منتشر شد، تحریم‌ها سالانه جان بیش از ۱/۵ میلیون نفر را در دنیا می‌گیرند.»

به گفته وی محدودیت‌های بانکی در انتقال پول، واردات دارو، شیر خشک و تجهیزات پزشکی را با مشکل مواجه کرده و مشکلات نقدینگی و تحریم‌ها باعث کمبودهایی شده که همه مردم روزانه با آنها مواجهند.

پیرصالحی به افزایش هزینه‌های درمان اشاره کرد و گفت: «تغییر نرخ ارز از ۴هزارو ۲۰۰ به ۲۸هزارو ۵۰۰ تومان، قیمت بسیاری از تجهیزات پزشکی را افزایش داده و اگر بیمه‌ها پوشش کافی ندهند، فشار شدیدی به بیماران وارد می‌شود.»

وی با اشاره به تلاش‌های انجام‌شده در دولت گفت: «از همه دستگاه‌ها، از بانک گرفته تا سازمان برنامه و سازمان‌های بیمه‌گر کمک گرفته‌شده تا مشکلات نقدینگی و کمبود دارو مدیریت شود، اما بسیاری از این مشکلات همچنان ادامه دارد و ناشی از شرایط تحمیلی به کشور است.»

رئیس سازمان غذا و دارو در بخشی دیگر به دوران جنگ تحمیلی ۱۲ روزه اشاره کرد و گفت: «در آن دوران با وجود حملات دشمن و مشکلات فراوان، کارخانه‌های داروسازی پای کار ایستادند و تولید سرم و داروهای حیاتی به صورت ۲۴ ساعته ادامه داشت. حتی با وجود آسیب‌هایی که به برخی کارخانه‌ها وارد شد، آنها دست از تولید نکشیدند و داروخانه‌های شبانه‌روزی پس از نگرانی‌های اولیه به فعالیت خود ادامه دادند. رسانه‌ها نیز در آن دوران نقشی کلیدی در امیدآفرینی و اطلاع‌رسانی درست داشتند و توانستند تیر دشمن را به سنگ بزنند.»

گزارش ۳

مهسا گربندی

پسروی دریا در شمال تا ۶۰۰ متر هم می‌رسد

کاسپین در خطر بیابانی‌شدن

ساحل کاسپین، روزگاری جایی برای نفس کشیدن بود، جایی که صیادان، طلوع صبح را با تورهای ماهیگیری آغاز می‌کردند، اما حالا موج‌ها، عقب‌نشینی کرده و خطر بیابانی شدن این دریا، تهدیدمان می‌کند. دریایی که هر روز چند قدم از ما دورتر می‌شود و جای خود را به خاکی بی‌جان می‌دهد؛ خاکی که اگر فکری به حالش نشود، خیلی زود، به بیابانی از ماسه و نمک تبدیل می‌شود.

کاسپین، این گنجینه طبیعی که روزگاری به عنوان شاهرگ حیات سواحل شمال کشور شناخته می‌شد، این روزها در سکوتی مرگبار قرار دارد. موج‌های پرانرژی و طوفان‌هایش جای خود را به خشکی‌های گسترده‌ای داده‌اند که هر روز بیشتر در دل زمین فرو می‌روند. تا چند دهه پیش، کنار این دریاچه بزرگ، زندگی جاری بود؛ تالاب‌ها پرآب بودند و نسیم خنک دریایی، امید و آرامش می‌آورد. اکنون اما، پسروی آب خبر از آن می‌دهد که اگر دیر بجنبیم زندگی ساحل‌نشینان، کشاورزان منطقه و حتی هویت فرهنگی این خطه به خطر می‌افتد.

گرمایش زمین، خشکسالی‌های گسترده، سدسازی‌های بی‌رویه و مدیریت اشتباه منابع آب، همه دست به دست هم داده تا دریایی که باید نماد زندگی باشد، آرام آرام به بیابان تبدیل شود. حال اگر بی‌توجهی‌ها ادامه داشته باشد، معلوم نیست فردا روز چه بلایی بر سر این دریا خواهد آمد.

دریای کاسپین در حال عقب‌نشینی

براساس گزارش تازه مرکز مطالعات دریای کاسپین، روند کاهش سطح آب این دریا که از اواسط دهه ۷۰ آغاز شده، همچنان ادامه دارد. طی سال‌های اخیر، در برخی نقاط تا ۳۰۰ متر پسروی ثبت شده و پیش‌بینی‌ها هشدار می‌دهند که این رقم می‌تواند تا ۶۰۰ متر هم برسد.

دکتر نیما فرید مجتهدی، اقلیم‌شناس، با نگاهی به تاریخ نوسانات این دریا می‌گوید: «در دهه ۵۰ هم شاهد پسروی بودیم، اما امروز با یک متغیر مهم روبه‌رو هستیم؛ تغییرات اقلیمی. دیگر صرفاً با عقب‌نشینی طبیعی دریا طرف نیستیم، بلکه این‌بار پای گرمایش زمین، خشکسالی‌های گسترده و حتی مدیریت اشتباه منابع آب هم در میان است.» شاید عجیب باشد، اما در حوضه بالادستی کاسپین مانند روسیه و آسیای میانه، با اینکه بارش‌ها افزایش یافته، ورودی آب به دریا کاهش پیدا کرده‌است. دلیل آن اما چیست؟ کارشناسان بر این باورند که تبخیر بیشتر (به‌دلیل گرما)، تغییر شکل بارش‌ها از برف به باران و سدسازی‌های بی‌رویه بر رودهایی مثل ولگا علت آن بوده‌است. این تغییرات نه‌تنها بر دریای کاسپین اثر گذاشته، بلکه تالاب‌هایی مانند انزلی و میانکاله را هم در معرض خطر خشکی قرار داده‌است. دکتر مجتهدی در این رابطه می‌گوید: «وقتی تراز دریا پایین می‌آید، تالاب‌هایی مثل انزلی که ارتفاع‌شان از سطح دریا بیشتر است، آب خود را از دست می‌دهند. این یعنی فاجعه‌ای اکولوژیک در کمین ماست.» پسروی آب تنها به خشک‌شدن سواحل ختم نمی‌شود. با گسترش نواحی ماسه‌ای و شور و وزش بادهای شمالی، این منطقه به کانون جدید گرد و خاک تبدیل خواهد شد. مناطقی که روزگاری لبریز از رطوبت و سبزی بودند، ممکن است به‌زودی با طوفان‌هایی از نمک و شن روبه‌رو شوند.

پروواضح است که اگر گونه‌های گیاهی بومی و مقاوم به شوری در این نواحی کاشته نشود، فرسایش بادی تشدید خواهد شد. این یعنی تهدیدی مستقیم برای زندگی ساکنان شهرهای ساحلی، کشاورزی منطقه و حتی سلامت عمومی.

هنوز امیدی هست؟

در برابر روند نگران‌کننده پسروی دریای کاسپین، اگرچه مهار تغییرات اقلیمی در مقیاس جهانی از اختیار ما خارج است، اما در سطح منطقه‌ای و ملی هنوز فرصت‌هایی برای کاهش اثرات این بحران و مهار پیامدهای آن وجود دارد. کارشناسان بر این باورند که راهکارهای اجرایی باید از طبیعت آغاز شود و با همکاری منطقه‌ای و فرهنگ‌سازی اجتماعی ادامه پیدا کند.

یکی از گام‌های کلیدی، احیای پوشش گیاهی در سواحل جنوبی کاسپین است. کاشت گونه‌های بومی مقاوم به خشکی و شوری، می‌تواند به تثبیت خاک، کاهش فرسایش بادی و جلوگیری از شکل‌گیری کانون‌های گرد و غبار منجر شود؛ اتفاقی که اگر امروز رقم نخورد، فردا با پیامدهای اجتماعی و بهداشتی جبران‌ناپذیری همراه خواهد بود. در کنار این اقدامات، پایش مستمر سطح آب و شرایط اقلیمی حوضه آبریز کاسپین از اهمیت بالایی برخوردار است. اطلاعات دقیق و پیوسته، مبنای تصمیم‌گیری‌های علمی و مدیریت منابع آبی خواهد بود؛ منابعی که بدون نظارت، به‌سادگی از کنترل خارج می‌شوند. همچنین در این میان، نقش گفت‌وگو و هماهنگی بین کشورهای حاشیه کاسپین بسیار پررنگ است. رودخانه ولگا، که مهم‌ترین ورودی آب به این دریا به‌شمار می‌رود، از طریق سدسازی و مدیریت نامتوازن در معرض کاهش شدید دبی قرار گرفته‌است. بدون اراده سیاسی و همکاری چندجانبه، امکان احیای وضعیت آبدهی این رودخانه وجود نخواهد داشت. در نهایت، فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی عمومی نیز یکی از ارکان اصلی مدیریت بحران است. مردم باید بدانند که پسروی کاسپین فقط یک مسئله علمی یا زیست‌محیطی نیست؛ این بحرانی است که بر اقتصاد محلی، سلامت عمومی، امنیت غذایی و حتی هویت فرهنگی ساکنان سواحل تأثیر خواهد گذاشت.

دکتر نیما فرید مجتهدی، اقلیم‌شناس، درباره این وضعیت پیش آمده هشدار می‌دهد: «پیشگیری از بیابانی‌شدن سواحل، تنها یک دغدغه زیست‌محیطی نیست؛ بلکه ضرورتی اجتماعی، اقتصادی و انسانی است که اگر امروز به آن نپردازیم، فردا خیلی دیر خواهد بود.»

فریادی که باید شنیده شود

دریای کاسپین، دیگر مانند گذشته طغیان نمی‌کند. فقط و فقط عقب‌نشینی می‌کند؛ آرام اما پیوسته. این عقب‌نشینی اگرچه با سرعت نیست، اما وقوعش از هر فاجعه‌ای، مرگبارتر است، چراکه با تدریجی بودنش، خطر به این بزرگی را پنهان می‌کند. اگر امروز اقدامی مؤثر و کارآمد نشود، فردا نه‌تنها اکوسیستم‌هایی از بین رفته‌اند، بلکه وضعیتی به مراتب سخت‌تر، انتظارمان را می‌کشد. در نهایت، شاید حتی، روزی برسد که نسل آینده فقط عکس‌ها و قصه‌های ساحل کاسپین را ببینند و بخوانند و آن وقت بپرسند: «مگر نمی‌دیدید که دریا دارد می‌رود؟ پس چرا کاری نکردید؟!»

امروز هنوز فرصت هست؛ فرصتی برای تصمیم‌های جسورانه، برای همصدایی‌های ملی و فراملی و برای دمیدن دوباره زندگی در رگ‌های کاسپین. البته، اگر عزمی باشد، اگر بخواهیم و اگر بتوانیم.

خبر کوتاه

■ سخنگوی قوه قضائیه گفت: بیشترین میزان پولشویی از طریق رمزارزها در حال رخ دادن است که به شدت پرریسک است و می‌تواند جریان تجاری کشور را با مشکل روبه‌رو کند.

■ معاون هماهنگی و امور مناطق شهرداری تهران گفت: اگر تکلیف دو موضوع آسیب به خودروها و لوازم‌خانگی توسط دولت مشخص شود، می‌توان ادعا کرد که کل کار در بحث آسیب‌های جنگ پایان پذیرفته‌است.

■ معاون امور فرهنگی کمیته امداد امام خمینی (ره) گفت: اکنون هزارو ۵۰۰ دانش‌آموز تحت حمایت این نهاد در مدارس سمپاد و تیزهوشان تحصیل می‌کنند و با مصوبه دولت سابق، هزینه تحصیل دهک‌های یک تا چهار در این مدارس رایگان است.

رئیس سازمان پزشکی قانونی کشور با تأکید بر لزوم مراجعه هموطنان به افراد متخصص برای دریافت خدمات زیبایی گفت: بخش قابل توجهی از پرونده‌های قصور در حوزه زیبایی مربوط به پزشک‌نماها است.